

اعتصاب در همه استانها ادامه دارد

صفحه ۲



تظاهرات مردم اهواز و شادگان چند روز است ادامه دارد

صفحه ۲

مقامات حکومت در مقابل مردم سر تسلیم فرود میاورند
مردم خواهان برکناری آنها میشوند

آشتی ملی بالایی ها

یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه

اصغر کریمی

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

وزیران "فمینیست" با حجاب اسلامی

کاظم نیکخواه

صفحه ۷

کدام آشتی، کدام ملی؟

آرش دشتی

صفحه ۷

موفقیت کارگران هپکو به موفقیتی برای کارگران کنتورسازی البرز منجر شد

صفحه ۵

خانواده های کارگران روغن نباتی در زنجان نیز به تجمع

پیوستند

صفحه ۵

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۰

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۹۵، ۱۷ فوریه ۲۰۱۷

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

قطعنامه در مورد:

رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی

قرار پیشنهادی در مورد بالا بردن سن قانونی

زندگی مشترک - ازدواج،

در برنامه حزب

قرار در مورد جنبش رهایی زنان

قرار در حمایت از شبکه همبستگی کارگری

خاورمیانه و شمال آفریقا

قرار علیه سانسور و سرکوب عقاید

قرار پیشنهادی در مورد ورزش زنان

صفحه ۴ و ۵

پیامهایی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

یاشار سهندی، سیمین صبری،

جهان و گلرخ پیروز، رها شادمان،

پرویز پوینده و حامد رضایی،

ریحانه رجایی

صفحه ۸

کارفرمای سیمان مسجد سلیمان کارخانه را

تعطیل کرد

کارگران همکاران بازداشتی را آزاد کردند

خانواده های کارگران باید به میدان

بیایند!

صفحه ۹

اعتصاب در همه استانها ادامه دارد

کارگران ذوب آهن اردبیل

مقابل استانداری تجمع کردند

کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی و تعویق مطالبات مزدی روز ۲۷ بهمن در مقابل ساختمان استانداری اردبیل دست به تجمع زدند. مطالبات ۴۰۰ کارگر این کارخانه ۱۳ ماه است توسط کارفرما بالا کشیده شده و ارگانهای دولتی همکار کارفرما حاضر به اقدامی در این زمینه نشده اند.

اعتصاب رانندگان تریلهای زباله گاه

تبریز

رانندگان تریلهایی که مسئولیت حمل زباله های تبریز به مرکز دفن زباله های این شهر را دارند، به دلیل عدم دریافت چندین ماه مطالبات و دستمزد خود، دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت فوری حقوق های خود شدند. اعتصاب این کارگران موجب انباشت زباله در این محل شده است. کارگران میگویند هفت ماه است

اعتصابات کارگری در ماههای گذشته باز هم گسترش یافته است. اعتصابات طولانی و دامنه دار باز هم طولانی تر شده است. شکل اعتراضات تعرضی تر شده است. خانواده های بیشتری در تجمعات و راهپیمایی ها شرکت میکنند. مراکز بیشتری به تعطیلی کشیده میشوند و حقوق کارگران بیشتر و بیشتر توسط کارفرماها بالا کشیده میشود. در چنین فضایی گسترش اعتصابات، به خیابان کشیده شدن اعتراضات، راهپیمایی و حضور خانواده ها چنان فشار را به حکومت تشدید کرده که اینجا و آنجا امتیازاتی میدهد و عقب نشینی هایی میکند تا جلو گسترش اعتراضات را بگیرد اما اعتصاب و اعتراض همه جا جریان دارد. بیش از هر زمان فضا برای اعتراضات مشترک آماده شده است.

کارگران نورد لوله اهواز

ورودی های کارخانه را بستند

همزمان با تجمعات مکرر کارگران گروه ملی فولاد اهواز، کارگران نورد لوله نیز امروز ۲۸ بهمن در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند و مانع ورود کامیون های حمل و نقل به داخل کارخانه شدند. خواست فوری کارگران پرداخت ۴ ماه حقوق آنها است.

هیچ مبلغی به حساب آنها واریز نشده است. شهرداری در مقابل اعتراض کارگران گفته است طرف حساب شما پیمانکار است و به ما ربطی ندارد. کارگران میگویند نه شهردار نه شورای شهر و نه هیچ ارگان دیگری دخالتی نکرده و همگی خود را بی وظیفه اعلام کرده اند. تنها وظیفه این ارگانها دفاع از پیمانکاران مفتخوری است که دستمزد چندرغاز کارگران را هم بالا میکشند.

اینها گوشه ای از اعتصابات هر روزه کارگران در سراسر کشور است. تنها راه مقابل کارگران این است که نیروی خود را هرچه بیشتر به میدان بیاورند. تجمعات مشترک مراکز مختلف کارگری تا حضور فعال خانواده ها و راهپیمایی در مراکز شهرها و جلب حمایت مردم موثرترین راه مقابله با سرمایه داران و حکومت اسلامی آنها است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۳۹۵، ۱۷ فوریه ۲۰۱۷

تظاهرات مردم اهواز و شادگان چند روز است ادامه دارد

محروم خوزستان ایجاد کرده است. در آبان سال گذشته برای جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری، دادگستری خوزستان تجمعات کارگری را ممنوع اعلام کرد. اما روزی نیست که چندین تجمع کارگری در اهواز و سایر شهرهای خوزستان صورت نگیرد. خوزستان به یک بشکه باروت و یک استان بحرانی تبدیل شده و هیچ ستاد بحرانی قادر به حل بحران کارگری در این استان و سایر نقاط ایران نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ بهمن ۱۳۹۵، ۱۳ فوریه ۲۰۱۷

هنوز همه ابعاد اعتراض مردم را بیان نمیکند. تیراندازی به مردم شهرهای خوزستان و به قتل رساندن مردم به یک امر عادی در این منطقه تبدیل شده است. در آبان امسال یک دختر بچه سه ساله به نام رعد سواری با تیراندازی ماموران حکومت به قتل رسید و مادر او نیز مجروح شد. صدها نفر از مخالفان حکومت در سالهای گذشته در خوزستان اعدام شده اند. دستفروشان مدام مورد خشونت بیرحمانه اوپاش حکومت قرار میگیرند. توهین و بیحرمتی به مردم و زندانی کردن و شکنجه مردم بویژه مردم عرب زبان به اشکال مختلف ادامه دارد. اینها خشم و نفرت عظیمی در میان اکثریت مردم

وابسته به حکومت در اعتراضی به نقل از یکی از زنان شرکت کننده در تظاهرات گفته است: «شما دولتی ها از درد مردم و نفس های بریده آنها خبر ندارید و در مواقع بحران به بهانه سفر کاری و یا مشکلات در بین مردم حضور ندارید. شما نمی دانید که وجود ۵ فرزند بیکار در خانهای که یک پدر با حداقل حقوق بازنشستگی و اقساط بانکی به زور زندگی می کند چقدر سخت و دردآور است، شما هنوز تجربه این را نداشتهاید که جوان ۳۰ سالتان از فرط خجالت جلوی پدرش برای ۵ هزار تومان پول اشک می ریزد.»

شدد. اعتراضات مردم چنان بالا گرفته است که حمید چیتیان، وزیر نیرو امروز به اهواز رفت تا ستاد بحران را در استانداری تشکیل دهد. او مجبور شد از طرف دولت از مردم خوزستان معذرتخواهی کند. به قتل رساندن یک جوان بیگناه به نام حسن ابوغیبش در شایگان توسط ماموران انتظامی در روزهای گذشته عامل تشدید اعتراضات مردم شد. مردم کلاتری شهر را آتش زدند و درگیری میان آنها و سرکوبگران حکومت تا امروز ادامه یافت. اعتراض مردم اما بسیار فراتر از بدی آب و هوای خوزستان است که مردم به درست حکومت را عامل اصلی آن میدانند. خبرگزاری فارس

هزاران نفر از مردم اهواز در سه روز گذشته دست به تظاهرات زدند و امروز در مقابل استانداری تجمع کردند. هفته گذشته نیز دو راهپیمایی اعتراضی توسط مردم اهواز سازمان داده شد. در شادگان نیز تظاهرات مشابهی در روزهای گذشته برگزار شده است. این تظاهرات ها علیه بی توجهی حکومت به هوای آلوده، آب آلوده و غیر قابل شرب و قطع برق و آب در یازده شهر خوزستان در سه روز گذشته بود. مردم اهواز و شادگان علیه مقامات و نیروی انتظامی شعار دادند و خواهان استعفای مسئولان دولتی از جمله استاندار و معصومه ابتکار معاون روحانی



مقامات حکومت در مقابل مردم سر تسلیم فرود میاورند مردم خواهان برکناری آنها میشوند



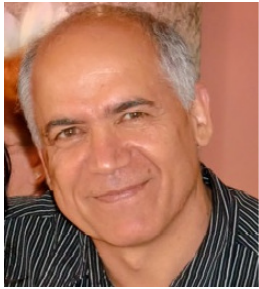
غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان که در روزهای گذشته هزاران نفر علیه اش شعار دادند و به عنوان مسئول بی لیاقت و بی کفایت اسم بردند و خواهان اخراج او از شهر شدند گفته است «در مقابل مردم سر تسلیم فرود میاورد و حق با مردم خوزستان است. «با عجله به مردم گزارش میدهد که چه مجاهدت هایی، در چند روز گذشته کرده اند اما نمیگوید چرا در این ۳۸ سال کاری نکرده اند و حداقل نیازهای مردم را برآورده نکرده اند. نمیگوید چرا اینهمه دزدیده اند و اکثریت مردم را به خاک سیاه نشانده اند. نمیگوید چه نظامی درست کرده اند که میلیون ها نفر را بیکار کرده اند و کل طبقه کارگر را به چند بار زیر خط فقر محکوم کرده اند. نمیگوید چرا بجای پاسخگویی به مشکلات مردم آنها را سرکوب کرده اند، نمیگوید چرا بجای حل معضلات اولیه مردم از آب و برق و هوا تا نان شب مردم، میلیارد میلیارد صرف تروریست های مانند خودشان در عراق و سوریه و فلسطین کرده اند، نمیگوید چرا بجای صرف هزینه برای رفع مشکلات مردم میلیاردها میلیارد صرف تاسیسات اتمی کردند،

نمیگوید چرا بودجه حجاب و عفاف و سرکوب زنان دهها بار بیشتر از بودجه مربوط به محیط زیست است و هزاران سوال دیگر را بی جواب میگذارد.

اما جناب استاندار و فرماندار و وزیر نیرو و رهبر و روحانی و بقیه شرکا، مردم شما را میشناسند، کارنامه شما را میدانند، حکومت نحس شما را با گوشت و پوست تجربه کرده اند. حساب همه شما، از رهبر تا رئیس جمهور، از نمایندگان مفتخور مجلس تا مجلس خبرگان و مصلحت نظام و اوباش سرکوب تا آیت الله های میلیاردی را خواهند رسید.

روزی که در صدا و سیمای منفورتان گریه و زاری کنید و به دست و پای دهها میلیون مردم خشمگین از حکومت جنایتکارتان بیفتید و معذرت بخواهید دیر نیست. مردم حال و روز زار شما را در جریان همین اعتراضاتشان میبینند و با اعتماد بنفوس و قدرت و اتحاد بیشتر به میدان میایند. حکومت شما رفتنی است. در سالروز انقلاب ۵۷ مردم تمرین انقلاب بعدی را میکنند. کارنامه ننگین تان را سنگین تر نکنید.

یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه



اصغر کریمی

استاندار بیا بیرون و سپس هزاران نفر از مردمی که دو روز بعدتر در مقابل استانداری همین شعار را تکرار کردند. باید کنار شعارهای شریعتی (استاندار خوزستان) حیا کن خوزستان رو رها کن، استاندار پولکی نمیخواهیم و فرماندار دروغگو نمیخواهیم گذاشت که مردم برای تحقیر مقامات و سکه یک پول کردن آنها سر دادند. اینها شعارهای متحد کننده و سراسری مردم است که هرروز بیشتر توده گیر میشود.

این شعاری است که دهن به دهن میچرخد و به شعار تجمعات مختلف تبدیل میشود. معلمان بازنشسته این شعار را در تهران در مقابل مجلس سر دادند، سپس نوبت کارگران هپکو در اراک شد و بعد کارگران روغن نباتی در زنجان در راهپیمایی همراه با خانواده هایشان آنرا تکرار کردند و فردا همه جا این شعار تکرار میشود.

این يك شعار سیاسی است که کل حکومت را نشانه میرود. شعاری علیه مقامات حکومتی است که پیونده همه آنها برای مردم رو شده است. این شعار معادل مرگ بر جمهوری اسلامی در توازن قوای کنونی است و فردا به شکل صریح خود، مرگ بر خامنه ای مرگ بر

جمهوری اسلامی، در میاید. جالب است که خود حکومتیان با رو کردن پرونده دزدی رقبای خود این شعار را دست مردم دادند و مردم چه خوب علیه مقامات حکومت و آیت الله های دزد و میلیاردر از آن استفاده میکنند. این شعار را باید کنار شعار زیر بار ستم نمیکیم زندگی توسط کارگران هپکو گذاشت که با بهره گیری از شعارهای ضد شاه در سال ۵۷ انقلاب بعدی را به حکومت گوشزد کردند. این شعار را باید کنار شعار صدا و سیمای ما ننگ ما گذاشت که همه جا در دانشگاه و در تجمعات مردم در مقابل ارگانهای حکومتی تکرار میشود. باید کنار شعارهای روزهای اخیر کارگران گروه صنعتی فولاد در اهواز گذاشت که در مقابل استانداری شعار میدادند

آشتی ملی بالایی ها

پاسخ اصولگرایان به طرح آشتی ملی خاتمی را ابتدا در این پوستر ۲۲ بهمن نگاه کنید:

خاتمی ضمن اشاره به تهدیدهای دولت ترامپ گفته است: «الان بهترین موقعیتی است که می توان فضای آشتی ملی را در کشور حکم فرما کرد. همه گروه های سیاسی باید متحد شده و از اصل نظام و انقلاب دفاع کنند. توصیه جلی می کنم که مردم ما حتی اگر از بعضی سیاست ها دلخور هستند، با اتحاد و انسجام از تمامیت ارضی کشور و منافع ملی و عزت ایران در مقابل یاهو گویی های دشمنان دفاع کنند و این حضور می تواند بسیاری از دسیسها را خنثی کند.»

اولا مردم از بعضی سیاست ها دلخور نیستند از همه سیاست های حکومت شدیدا معترض و متنفرند. دلخوری مال اصلاح طلبان بی جریده و زبونی مانند شخص خاتمی است که میگوید آنرا هم باید کنار

گذاشت. ثانيا، همه میدانند که خطر زیر سوال رفتن اصل نظام نه بدلیل تهددات ترامپ بلکه بدلیل گسترش اعتراضات و عمیق شدن نارضایتی های مردم است. نمیتوانند بگویند خطر از ناحیه مردم جلی است، باید لولو خورخوره دیگری را نشان بدهند که حرفشان را به بهانه آن بزنند.

اما از اینها گذشته بخش زیادی از خود اصلاح طلبان هم به طرح آشتی ملی خاتمی شیشکی میبندند چه رسد به اکثریت مردمی که مفتخوران حاکم چیزی برایشان باقی نگذاشته اند. دوره تشدید تنش های حکومت است و هر چه اوضاع حکومت بحرانی تر میشود فروپاشی و شکاف و نفرت و دشمنی در بالایی حکومت شدیدتر و عمیق تر میشود. خامنه ای هم بارها تشر زد که اختلاقات را کنار بگذارید اما



کسی گوش نکرد و الان خودش هم وارد همین بازی شده و مدام به سیاست های روحانی میتوپد. اکنون نه صرفا در مورد دزدی های یکدیگر که بر سر همه چیز اختلاف دارند و نمیتوانند پنهان کنند.

نکته جالب اما این است که هرچه صفوف بالایی ها بیشتر به هم میریزد صفوف مردم فشرده تر و متحتر میشود. آشتی ملی ای در کار نیست. دوره تشدید تنش بالایی ها است. دوره نفرت انقلابی مردم است که کاخ ۳۸ ساله جنایتکاران را بر سرشان خراب میکند. آن روز دور نیست.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

قطعنامه در مورد:

قرار در حمایت از شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا

رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی

تشکیل شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا استقبال میکند و مورد حمایت قرار میدهد. کنگره از رهبری منتخب حزب میخواهد در تقویت و گسترش این نهاد بطور جدی تلاش کند.

شهلا دانشفر، کاظم نیکخواه

با توجه به اینکه همبستگی بین المللی کارگری يك امر مهم و حیاتی است و با توجه به اینکه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به یکی از کانونهای جنگ ها و جنایات و تفرقه افکنی های ملی و قومی توسط نیروهای اسلامی و دولتهای سرمایه داری تبدیل شده، کنگره از

۸- نه فقط صفوف حکومت به هم ریخته است، بلکه کل جبهه راست و بورژوازی آشکارا دچار تشتت است و یکی از دلایل اصلی این تشتت رشد آگاهی مردم و فشار انتظارات و توقعات بالای مردم است. در این شرایط برخی جریانات راست سعی میکنند مقدسات و سیاستهای ناسیونالیستی شان را با ماسک "حقوق بشری" آرایش کنند و در مقابل آنها برخی ناسیونالیستها از

اینکه مقدسات ملی شان از جانب خودیهایشان کمرنگ شده به خشم آمده اند. ملی اسلامی ها نیز به دار و دسته های متعدد و متشتت و درگیر در اصطکاک با یکدیگر تبدیل شده اند. در میان همه این جریانات طیفهایی نیز به ناسیونالیسم افراطی و شونینیزم عربان چرخیده اند و طیفهایی دچار نوسان و تزلزل و بی افقی شده اند.

کل این تحولات گویای پیشروی و به چپ چرخیدن اعتراضات اجتماعی به موازات رشد چشمگیر جنبش کارگری است. این تحولی مهم و تاریخی را بازتاب میدهد و در پروسه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحولات آتی جامعه ایران تاثیرات مثبت عظیمی خواهد داشت. تضمین اینکه جامعه آینده ایران جامعه ای آزاد و شاد و بری از تبعیض و ستمگری باشد به ادامه جدی و همه جانبه همین روند یعنی به نقش تعیین کننده طبقه کارگر و گفتمان سوسیالیستی بستگی دارد. حزب کمونیست کارگری خود را نماینده این تحول میدانند. حزب برای تعمیق و گسترش این روند بطور نقشه مند و فعال تلاش خواهد کرد.

پیشنهاد دهنده: کاظم نیکخواه - حمید تقوایی
تایید کننده: شهلا دانشفر - نسان نودینیان - کیوان جاوید - حسن صالحی
۸ فوریه ۲۰۱۷

بیش از هر چیز خود را در تشکلهای و نهادها و گروههای مبارزاتی که در جامعه و مدیای اجتماعی شکل گرفته اند، نشان میدهد.

۴- در مبارزات و اعتراضات بخشهای مختلف جامعه يك روند و گرایش مدرن و دفاع از ارزش های پیشرو و جهانشمول در برابر عقب ماندگی و سنت گرایی و تعصب و تابوهای ملی و مذهبی دست بالا پیدا کرده و به موازات آن گرایش چپ و رادیکال در مقابل گرایش راست و عقب مانده، در خواست ها و در اشکال مبارزه بوضوح خود را نشان میدهد.

۵- در تقابل با مقدسات و اخلاقیات پوسیده و قوانین فوق ارتجاعی حاکم و حرص و فساد کل رژیم اسلامی سرمایه يك جنبش گسترده دفاع از حقوق شهروندی و دفاع از زندگی و حرمت و منزلت فردی جلو آمده و به بستر اصلی اعتراضات تبدیل شده است.

۶- در مقابله با جمهوری اسلامی، رویگردانی از مذهب و نفرت از مسجد و آخوند و سنتهای مذهبی همه جا با قدرت و آشکارا خود را نشان میدهد. نقد طبقاتی و سیاسی مذهب، یعنی افشای دستگاه مذهب بعنوان اهرم دفاع از بالایی ها و توجیه کننده تبعیضات و امتیازات طبقاتی، جای برجسته ای در گرایش ضد مذهبی در جامعه پیدا کرده است.

۷- تاثیر این وضعیت بر حکومت اسلامی تشتت بیشتر و نزاعهای درونی عمیق تر است. جنبشهای اجتماعی آن عامل اصلی است که باعث شده است که برخی قوانین پایه ای حکومت به موضوع مجادله حتی در درون خود حکومتی ها تبدیل شود و زیر سوال قرار گیرد. این تشتت و نزاعها جمهوری اسلامی را در مقابل موج پیشروی مردم هر روز ناتوان تر کرده است.

تقابل مردم با جمهوری اسلامی در سراسر جامعه و در تمام عرصه های اجتماعی جریان دارد. این مبارزه ای است که دائما به لحاظ طبقاتی عمیق تر و به لحاظ دامنه گسترده تر و فعالتر میشود. این جنبش صرفا يك جنبش مطالباتی نیست، بلکه جنبشی است که مصائب اساسی سرمایه داری حاکم را به مصاف گرفته است. در این جنبش گفتمان ضد سرمایه داری و چپ جلو آمده است. این يك نقطه عطف و تحول مهم در جامعه ایران است. مشخصات اصلی این تحول اینهاست:

۱- مبارزات مردم با حکومت گرچه اغلب در قالب صنفی و مدنی بیان میشود اما عملا به معنای دست بردن مردم به ریشه و مورد اعتراض قرار دادن مصائب کل نظام سرمایه داری است. دفاع از آزادیخواهی، انسان دوستی، برابری طلبی و به مصاف گرفتن تمام ناهنجاریهای اجتماعی و تمام عوارض و فجایع و تبعیضات حاکم در جامعه و ضديت با ستمگری و فساد و دزدی و امتیازات بالایی ها نشانگر چپ بودن ایده آنها و آرمانهای غالب در جامعه است.

۲- اهمیت و جایگاه سیاسی کارگر و جایگاه جنبش کارگری در جامعه ارتقا یافته است. تصویر قدیمی از کارگران بعنوان بخش فرودست و کم توقع و مظلوم کاملاً زیر و رو شده و اکنون بطور واقعی این کارگران پیشرو هستند که دارند توقعات و انتظارات جامعه را جلو میکشند و بالا میبرند.

۳- رشد همبستگی و هم سرنوشتی بخشهای مختلف مردم با یکدیگر و پشتیبانی از خواستهای سراسری و بحق هر بخشی از جامعه يك جزء جدایی ناپذیر مبارزات اجتماعی است. این روند بویژه در میان کارگران و معلمان و دانشجویان بوضوح قابل مشاهده است. این همبستگی ها

قرار در مورد جنبش رهایی زنان

معین، مترقی و رادیکال و ارائه پلاتفرم مشخص و راهکارهای مشخص برای پیشبرد قویتر این جنبش

۳. تلاش در جهت ایجاد ابتکارات جدید در عرصه های مختلف مبارزه جنبش رهایی زنان

۴. اختصاص برنامه های ثابت در کانال جدید و بخشهایی از رسانه های حزبی در باره جنبش رهایی زنان و انتشار گسترده تر اخبار مبارزات زنان و انتشار تجربیات و دستاورد های این مبارزات به صورت کنکرت تر و تخصصی تر.

۵. تلاش برای برقراری تماس و ارتباط بیشتر با فعالین جنبش رهایی زنان در عرصه های موجود با هدف متشکل نمودن این فعالین در ایران و حمایت از رهبران پیشرو و مترقی این جنبش.

۶. افشای سیاست های سازشکارانه و اصلاح طلبی و هر گونه سازشکاری با قوانین ضد زن اسلامی

۷. شناساندن و ایجاد همبستگی با جنبش رهایی زن در ایران در سطح جهان و جلب حمایت شخصیت ها و نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان از مبارزات زنان ایران در مقابل جمهوری اسلامی

ارائه دهنده: شهلا خباززاده

حمایت کننده: شیوا محبوبی

حمایت کننده: بهروز مهرآبادی

حمایت کننده: زری اصلی

جمهوری اسلامی از همان اولین روز به قدرت رسیدن دشمنی عمیق خود را با زنان نشان داد. و از همان ابتدا يك مبارزه پیگیر از سوی زنان و نیروهای آزادیخواه علیه قوانین تحقیرآمیز و زن ستیزانه علیه حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی آن جریان داشته. با وجود سرکوبهای شدید و احکام سنگسار و شلاق و زندان مبارزه زنان به پیشروی خود ادامه داده و دست اندرکاران رژیم

بارها به ضعف خود در مقابل جنبش آزادی زنان اعتراف کرده اند. جنبش علیه مذهب بیشترین نیروی خود را از زنان میگیرد. علاوه بر آن حضور زنان در سایر جنبش های اجتماعی نیز روز بروز قویتر و گسترده تر میشود. نقش مهم زنان در به ثمر رساندن انقلاب آتی ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی يك جامعه آزاد، برابر و مرفه انکار ناپذیر است. سازماندهی جنبش رهایی زنان برای حضور موثرتر و قدرتمند در تحولات سیاسی و اجتماعی آینده ایران يك وظیفه مهم حزب کمونیست کارگری است.

۱. تمرکز بیشتر به جنبش رهایی زنان و اختصاص نیروی تعدادی از کادرها به فعالیت ویژه متشکل در عرصه حقوق زنان.

۲. تلاش برای سازماندهی مبارزات زنان، مقابله با پراکندگی در صفوف این جنبش، گذاشتن خواستهای

قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

قرار پیشنهادی در مورد بالا بردن سن قانونی زندگی مشترک - ازدواج، در برنامه حزب

از آنجاییکه:

سن قانونی ازدواج در تبلیغات تا کنونی حزب بدست ۱۸ سال اعلام شده، طبق کنوانسیون جهانی حقوق کودک، افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب میشوند، تقلیل سن ازدواج به زیر ۱۸ سال، به معنای رسمیت دادن به ازدواج کودکان است امضا کنندگان زیر پیشنهاد می کنیم که کنگره دهم حزب

کمونیست کارگری ایران به تغییر سن ازدواج - زندگی مشترک مندرج در برنامه از ۱۶ سال به ۱۸ سال و بصورت زیر رای دهد: در بخش "زندگی مشترک، خانواده، ازدواج و طلاق": حق هر زوج بالای ۱۸ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود

سوسن صابری - نوید مینایی - فریده آرمان

قرار علیه سانسور و سرکوب عقاید

نماید. با فیلترینگ و همچنین با کاهش سرعت اینترنت مانع دستیابی مردم به جریان آزاد اطلاعات می شود و در صدد است به سرورهای تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و مانند آن دست یابد.

مبارزه پراکنده در مقابل نهاد سانسور سازمان یافته و سرکوب آزادیها در جامعه کافی و کارساز نیست. باید کارزاری اجتماعی و همه جانبه علیه سانسور و سرکوب عقاید به راه انداخت و آن را به پیش برد.

حزب ما حزب اعتراضات اجتماعی است، برای سازماندهی اعتراضات نویسندگان، شاعران، هنرمندان و روشنفکران می کوشد. حزب در راه تشکل یابی شاعران و نویسندگان و مترجمان و هنرمندان و روشنفکران علیه سانسور و سرکوب عقاید فراخوان می دهد. حزب از هر گونه تلاش و کارزاری در این جهت حمایت و پشتیبانی میکند.

ارائه دهنده: آرش دشتی از ایران

تایید کننده: بهروز بهاری، رضا فتحی

قرار پیشنهادی در مورد ورزش زنان

یکی از عرصه های مهم اعتراضی جنبش رهایی زن در ایران است، حزب در راستای مبارزه علیه آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی آن، حمایت همه جانبه خود را از این مبارزات اعلام میدارد و برای تقویت و گسترش این کارزار ها تلاش میکند.

ارائه دهنده: آریتا دربندی از ایران

نسرین رمضانعلی، شهلا دانشفر

با توجه به اینکه ورزش زنان یکی از عرصه های بارز تبعیض جنسیتی و آپارتاید جنسی علیه زنان، است. با توجه به اینکه کارزارهای اجتماعی مهمی بر سر این موضوع از جمله حق زنان برای ورود به استادیوم های ورزشی، حق دوچرخه سواری زنان، اعتراض علیه شرط حجاب برای شرکت زنان در عرصه های مختلف ورزشی، در ایران جاری است. و با توجه به اینکه ورزش هم اکنون

خانواده های کارگران روغن نباتی در زنجان نیز به تجمع پیوستند

خواهد داشت.

کارگران کنتورسازی در زنجان نیز اخیراً بیکار شده و با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند. توصیه ما به کارگران این دو کارخانه و خانواده های آنها این است که مبارزه متحدانه و مشترک و مستمری را شروع کنند. تنها با به میدان آمدن کل نیرویمان میتوانیم استثمارگران و حکومت دزد و فاسد آنها را وادار به تسلیم کنیم.

فراخوان ما به ۱۷۰۰ کارگر صنایع آذرباب اراک نیز که چند ماه حقوق آنها و حق بیمه تعدادی از آنها پرداخت نشده این است که همراه با کارگران کارخانه آونگان که مشکلات مشابهی دارند و خانواده های خود دست به مبارزه ای سازمان یافته بزنند. کارگران هپکو آماده اند تجارب گرانهای خود را با آنها در میان بگذارند. حزب کمونیست کارگری نیز قاطعانه پشتیبان آنها خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ بهمن ۱۳۹۵، ۱۱ فوریه ۲۰۱۷

موفقیت کارگران هپکو به موفقیتی برای کارگران کنتورسازی البرز منجر شد

استان های مرکزی و زنجان داشت. بلافاصله پس از موفقیت کارگران هپکو کارگران روغن نباتی زنجان همراه با خانواده های خود دست به راهپیمایی در سطح شهر زدند. کارگران کنتورسازی در شهر البرز و کارگران آونگان و ۱۷۰۰ کارگر صنایع آب اراک هم که مشکلات مشابهی دارند با تاثیر از کارگران هپکو راهپیمایی های دیگری با خانواده های خود راه بیندازند و اعتراضات را به سطح دیگری ببرند. در چنین شرایطی است که دو ماه حقوق کارگران کنتورسازی را پرداخت کردند و قول دادند بقیه مطالبات کارگران و مشکلات بیمه ای آنها را نیز تا یک ماه آینده حل و فصل کنند.

صفحه ۵

بدنبال حضور خانواده های کارگران هپکو در تجمع اعتراضی در روز ۱۹ بهمن، صبح امروز ۲۳ بهمن خانواده های کارگران روغن نباتی جهان در زنجان همراه با ۲۰۰ کارگر اخراجی این کارخانه در مقابل استانداری زنجان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان بازگشت به کار فوری کارگران و پرداخت حقوق های معوقه شدند. ۲۰۰ کارگر این کارخانه بطور ناگهانی در اوایل بهمن اخراج شده اند و چندین تجمع اعتراضی کارگران در هفته های گذشته توسط کارفرما و ارگانهای دولتی حامی او بی جواب مانده است.

اقدام امروز کارگران زنجان و خانواده های آنها یک پیشروی در مبارزه آنها است. تجمعات و راهپیمایی های قدرتمند کارگران هپکو و حضور خانواده های آنها و دست زدن آنان به تحصن در شهر که به موفقیت آنان منجر شد، تاثیر مستقیمی بر گسترش اعتراضات کارگری و حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی

کارگران کنتورسازی در شهر البرز بدنبال تعطیل کارخانه و از دست دادن کار، تجمعات متعددی در هفته های گذشته برگزار کرده و خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه خود و راه اندازی کارخانه شدند و مفتخوران را مجبور کردند دو ماه حقوق معوقه شان را پرداخت کنند. کارفرما قول داد حقوق سه ماه گذشته ۳۵۰ کارگر این کارخانه و بخشی از مزایای مزدی آنها را تا قبل از سال آینده پرداخت کند. تامين اجتماعی نیز به کارگران قول رسیدگی به بیمه آنها را داد.

این عقب نشینی ها نه تنها بخاطر تجمعات مکرر کارگران کنتورسازی بلکه همچنین بدلیل اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو است که تاثیرات فوری و قابل ملاحظه ای بر کارگران بویژه در



دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

اخبار اعتراضی کارگری در هفته ای که گذشت، نشانه هایی دیگر از روند جدید و تحول بخش جنبش اعتراضی کارگری را به نمایش گذاشت. راهپیمایی کارگران روغن نباتی جهان در شهر زنجان در وسط شهر، همراه با خانواده ها با شعار های "یک اختلاف کم بشه، مشکل ما حل میشه"؛ "بی پولی، عیدی امسال ما"؛ یک نمونه درخشان از بیان این تحول است. مهمتر اینکه این اتفاق بدنبال یکماهه اعتراض قدرتمند کارگران هپکو اتفاق افتاد. اتفاقی که در آن کارگران با راهپیمایی های اعتراضی شان فضای دیگری به شهر اراک داده بودند و وقتی خانواده ها وارد میدان شدند، اعتراض کارگران ابعاد دیگری پیدا کرد و کارفرما و دولت ناگزیر گامی به عقب گذاشتند و فوراً دو ماه از حقوق کارگران را پرداخت شد و با دستپاچگی قول پرداخت فوری باقی آنان را دادند. در اهواز نیز در این هفته کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران بخاطر ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده با شعار هیچ جا نمیریم، همین جا هستیم، در وسط شهر راهپیمایی کردند و همزمان با این اعتراض هزاران نفر از مردم شهر اهواز با شعارهای کوبنده در اعتراض به آلودگی و حشتناک هوا، و قطع آب، برق، تلفن، اینترنت، به خاطر نشستن ریزگردها بر روی شبکه های توزیع برق و نیز آلودگی هوا و در اعتراض به فقر و بیکاری به خیابان آمدند. اما این اعتراضات بعد از گذشت سه روز فراتر رفته و اکنون هزاران نفر از مردم در خیابانهای شهر با پلاکارد "بی آبی، بیکاری، بیماری" و شعارهایی چون "بیکاری، بیکاری، بیکاری، روحانی خجالت، خجالت، ابتکار دروغگو استعفا، استعفا، و با فریاد تاکی بی آبی، تاکی بی برقی"؛ "ما انقلاب کردیم که آزادی داشته باشیم"؛ بطور واقعی کل حاکمیت را به چالش میکشند. این اتفاقات فضای تعرضی نه تنها در محیط های کارگری بلکه در کل جامعه را به

نمایش میگذارد. این اتفاقات نشانی از جلو صحنه آمدن بیشتر جنبش اعتراضی کارگری و ابعاد اجتماعی آن داشته و فضای پر التهاب جامعه را به نمایش میگذارد.

خلاصه کلام اینکه اکنون اعتراضات کارگری گسترده و در شهرهای مختلف جاریست و راهپیمایی دارد به شکل اصلی این اعتراضات با شعارهای واحدی به هم وصل میشوند و فضای شهرها را شکل میدهند. خصوصاً به میدان آمدن خانواده های کارگری و اتفاقاتی که در هپکو و در روغن نباتی جهانی در زنجان روی داده است، الگویی در مقابل همه کارگران در تمام شهرها میگذارد.

در کنار این اعتراضات، کارزار برای خواست افزایش دستمزدها به جلو میرود. یک نمونه قابل توجه این کارزار، طومار ۵۰ هزار نفره معلمان با خواست سه میلیون حداقل حقوق در قدم اول است. اینها همه اتفاقات سیاسی مهمی است که بیش از پیش ثقل جنبش اعتراضی کارگری را در فضای ملتهب جامعه نشان میدهد. این روندی است که باید با قدرت آنرا جلو ببریم. همه جا بر نقش مهم خانواده ها و جلب حمایت مردم و نیز حفظ اتحادمان از طریق برپایی مجامع عمومی کارگری و تبدیل آن به محل تصمیم گیری متحد و تشکیلاتی مان تاکید کنیم. با شعارهای روشن و شفاف خواسته هایمان را اعلام کرده و قدرتمند و متحد با خواسته های سراسری مان به میدان آییم.

نگاهی از نزدیکتر به مهمترین اتفاقات در هفته گذشته داشته باشیم.

تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران:

روز ۲۶ بهمن حدود ۶۰۰ کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز برای سومین روز متوالی به اعتراضاتشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی، عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد و حق بیمه و سنوات یکسال

خود ادامه دادند و در مقابل کارخانه تجمع کردند. روز قبل از آن این کارگران در مقابل استانداری اهواز تجمع داشتند و با شعار "هیچ جا نمیریم، همین جا هستیم"؛ پیگیر طلبهایشان شدند. این شرکت ۴ هزار کارمند و کارگر دارد و در جنوب شرقی شهر اهواز واقع است.

تجمع اعتراضی کارگران روغن نباتی جهان صبح روز ۲۳ بهمن ما شاهد یک اتفاق مهم در شهر زنجان بودیم. در این روز کارگران روغن نباتی جهانی همراه با خانواده هاشان در اعتراض به بیکار سازیها و تعویق پرداخت حقوقهایشان در وسط شهر راهپیمایی کردند و شعار دادند. سردادن شعار "یک اختلاف کم بشه، مشکل ما حل میشه"؛ فضای شورانگیزی به شهر داده بود و مردم با شادی این اتفاق را دنبال میکردند. و این شعار است که در حاکمیت مشتکی دزد و میلیاردر، دارد به شعاری اجتماعی در میان مردم تبدیل میشود. این شعار است که کارگران هپکو در راهپیمایی شان در وسط شهر اراک و قبل از آن کارگران بازنشسته و معلمان بازنشسته در اعتراضاتشان در مقابل مجلس سر دادند. این شعار است که اعتراض کارگران و کل جامعه را به تبعیض ها و نابرابری ها که ریشه در حاکمیت مشتکی دزد و جنایتکار بر کرده جامعه دارد، بیان میکند. این شعار است که کل توحش سرمایه داری حاکم را دارد به چالش میکشد. زنده باد کارگران روغن نباتی جهان

احضار رضا شهابی به زندان و جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را برای محاکمه

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد با دستور مقامات طی روزهای آینده به زندان بازگردانده می شود. متعاقب تماس های مکرر دادستانی تهران با رضا شهابی برای مراجعت به زندان، همچنین اخطار به وثیقه گذار او در

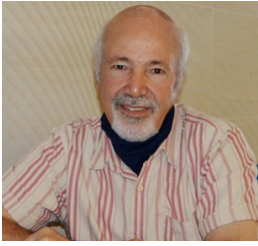


مورد توقیف وثیقه، شنبه بیست و سوم بهمن، رضا شهابی به همراه وکیل، وثیقه گذار و همسرش و جمعی از اعضای سندیکا که در مقابل ساختمان حضور داشتند به دادستانی رفتند. علیرغم وضعیت بد جسمانی رضا شهابی و آسیب هایی که او قبلاً در زندان دیده است، حاجی مرادی معاون امنیتی دادستان اعلام کرده است که تنها در صورت بازگشت شهابی به زندان، وثیقه او آزاد خواهد شد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در اطلاعیه خبری خود بازگرداندن مجدد رضا شهابی به زندان را محکوم کرده و خواستار پایان دادن به زندان و رفع تعقیب پلیسی، امنیتی، قضایی از او و سایر اعضای سندیکا از جمله ابراهیم مددی نایب رئیس و داود رضوی دیگر عضو هیات مدیره سندیکا و دیگر فعالین کارگری شده است.

کمپین معلمان برای خواست سه میلیون دستمزد

یک کمپین مهم که در هفته گذشته جریان داشت، کمپین «بودجه عادلانه برای افزایش حقوق معلمان و بهبود کیفیت آموزش در مدارس» است. یک خواست مهم این کمپین افزایش حقوق معلمان در اولین قدم به سه میلیون تومان است. در بخشی از بیانیه این کمپین چنین آمده است: «ما خواهان افزایش سهم این وزارت خانه در بودجه مصوب ۱۳۹۶ هستیم به طوریکه برای پرداخت حداقل حقوق پایه برای هر معلم، بازنشسته و کارمند اداری و خدماتی به مبلغ سه میلیون تومان اعتبار لازم پیش بینی گردد و شرایط و اعتبارات ضروری برای بهبود کیفیت آموزشی در مدارس کشور بخصوص برای دانش آموزان مناطق محروم پیش بینی شود». این کارزار در مدیای اجتماعی به راه افتاده است و معلمان این حرکت اعتراضی خود را بزرگترین کمپین سراسری برای پیگیری خواسته هایشان اعلام کرده اند. بنا بر آخرین خبرها ۴۵ هزار نفر آنرا امضا کرده و جمع صفحه ۱۰

وزیران "فمینیست" با حجاب اسلامی



پوشش باید آزاد باشد. زنان و مردان باید آزاد باشند که در اماکن عادی هر لباسی می‌خواهند به تن کنند. اما اگر زنی با اختیار خود حجاب یعنی پرچم تحقیر زنان را به تن میکند باید بداند که دارد عقب ماندگی خود را اعتراف میکند. الان اگر من و شما زنی را با حجاب می بینیم میدانیم که به احتمال زیاد مجبور به این کار شده است و از قانون و مذهب عصبانی می‌شویم. اما اگر زنی از ته دل اعلام کند که من خودم حجاب را انتخاب کرده‌ام آنگاه به دلیل عقب ماندگی قابل ترحم است، نه قابل دفاع

بویژه اسلام به زنان تحمیل میکند. چونکه زن اساسا اختیاری برای انتخاب ندارد. باید در چارچوب سنت‌های تحمیلی تصمیم بگیرد و رابطه‌ای را قبول کند. حال یا بخاطر تصمیم پدر و مادرش یا بخاطر سنت و مذهب و شرایط اجتماعی ای که به او تحمیل شده است. یا بخاطر مزایای اقتصادی. هر کدام از اینها که باعث رابطه زناشویی بین زن و مرد شود به معنای فحشا است. چون فحشا یعنی رابطه‌ای که اجباری و اقتصادی است و عاطفه طرفین در آن نقش اساسی را یفا نمی‌کنند. این ناسالمترین و میتوان گفت غیر اخلاقی ترین رابطه میان زن و مرد است.

نکنه آخر اینکه این بحث به معنای تحمیل بی حجابی به زنان نیست. ما نمی‌خواهیم و نباید بی حجابی را هم قانون اجباری کنیم.

توهین به زنان. حجاب زن یعنی اینکه زن موجودی است که باید از وجود و تن خود شرم کند. زن باید خود را بپوشاند. چرا؟ زیرا از نظر سنت عقب مانده و زن ستیز و مذهبی قدیمی زن وسیله لذت بخشی مردان است نه یک انسان معمولی. بنابراین فقط اجازه دارد در برابر مردانی که با او محرم هستند صورت و مو و تن خود را نشان دهد. اما برای مرد این معادله صدق نمی‌کند. چون مرد حاکم و تصمیم گیرنده و صاحب زن و صاحب جامعه است.

حقیقت اینست که تا زمانی که زنان از سیطره مردسالاری و مذهب خلاص نشوند نمیتوانند آزاد و انسانی زندگی کنند. مذهب بدترین نوع تحقیر زنان را نمایندگی میکند. مذهب مدام علیه فحشا تبلیغ میکند اما بدترین نوع فحشا همان ازدهاجها و مناسباتی است که مذاهب و

اما فمینیست نان به نرخ روز خوری که میخواهد تجارت کند و سود شرکت‌هایش برایش از حقوق انسانی مهمتر است، حاضر است کف پای کثیف روحانی و پاپ و هر جانوری را بلیسد تا بتواند دو دلار پول به جیب بزند. زن و مرد مفتخورش هم با هم فرقی ندارند. اینجاست که هر انسانی متوجه میشود و باید متوجه شود که این تاجر اسلامی و مذهبی از کجا آب میخورد. حکومت اسلامی و گروه‌های اسلامی و دم و دستگاه واتیکان را سرمایه داری دقیقا لازم دارد تا بتواند بشریت را مدام زیر سیطره و حاکمیت اقلیت مفتخور بی خاصیت در زنجیر نگه دارد. ما مردم تا زمانی که همین حقیقت ساده و روشن را متوجه نشویم کلاهمان پس معرکه است.

آیا حجاب غیر اجباری قابل دفاع است؟

در جریان بحث در مورد حجاب به سر کردن وزرای سوئدی در ایران بحثی هم پیش آمد که گویا حجاب بسر کردن ملکه سوئد در برابر پاپ از جنسی دیگر است و فقط به قصد احترام به مردم مسیحی انجام شده و ایرادی ندارد. دلیل اصلی ای که مطرح میشود اینست که اگر حجاب اجباری نباشد ایراد ندارد و قابل دفاع است. بنظر ما حجاب در هیچ شکل آن قابل دفاع نیست. روشن است که حجاب اجباری با غیر اجباری فرق میکند. حجاب اجباری روشن است که از نظر هیچ انسان متمدنی قابل دفاع نیست. و فقط آنها که بهر دلیلی به قانون و حکومت اسلامی و دخالت اجباری مذهب در زندگی افراد معتقدند از آن دفاع میکنند. اما ظاهرا حجاب غیر اجباری يك پوشش ساده است و ایرادی ندارد. من این را بهیچ وجه قبول ندارم. نه صرفا به این دلیل که مذهب و دین را کلا قبول ندارم. بلکه اساسا به این دلیل که حجاب چه اجباری چه غیر اجباری یعنی

موضوع حجاب اسلامی بسر کردن وزرای سوئدی در تهران جنجالی به پا کرده است. و این جالب است. حتی در درون حزب حاکم سوئد اعتراضات بلند شده است که شما که خود را "کابینه فمینیست" میخواندید چگونه حاضر شدید حجاب اسلامی که توهین به زنان است را به سر کنید. مردم پیشرو صدایشان در آمده است که چگونه دولت سوئد با يك عالمه ادعای مدرن بودن به زنان ایران خیانت کرده است و حجاب اجباری را قبول کرده است. در افکار عمومی جهان با این سفر و این چادر جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش بعنوان سمبل عقب ماندگی و تاجر و بیربط به قرن بیست و یکم معرفی شد. در مقابل این موج مخالفت کسانی هم جواب داده اند که خب ملکه سوئد هم هنگام ملاقات با پاپ در واتیکان قبلا چادر بسر کرده است! عجب جواب جالبی. این جواب در واقع دو طرف را در برابر سکولارها و مردم مترقی و پیشرو خلع سلاح کرده است. هم چادر بسر کردن ملکه کودن سوئد در مقابل پاپ و هم چادر سر کردن جماعت وزرای سوئدی مقابل آخوندهای ایران، نشان دهنده اوج ریاکاری و عقب ماندگی و ضدیت این نیروهای لیبرال و مدعی مدرن بودن با ارزشهای انسانی است. هم پاپ و واتیکان و هم خامنه ای و حکومت اسلامی ضد ارزشهای مدرن انسانی هستند و ربطی به قرن حاضر ندارند.

ارزشهای انسانی ای که از آن صحبت میکنیم منشأش در همین غرب است. اما در جنبش مردم پیشرو غرب و نه سرمایه داری غربی. مثل سکولاریسم، مثل آزادی عقیده و بیان. مثل برابری زن و مرد. اینها را اگر کسی واقعا قبول داشته باشد مقابل هر جانور عقب مانده مسیحی و اسلامی که زن را با حجاب تحقیر میکند می ایستد.

کدام آشتی، کدام ملی؟

خاتمی ریخته اند و این ابتکار عمل مذبحخانه و فریبکارانه را همه از دست او گرفته اند.

صادق لاریجانی قاضی القضاة جمهوری اسلامی در پاسخ به خاتمی گفته است که ما در اصل نظام، اختلافی با همکاری نداریم که بیاییم آشتی کنیم. این پاسخ نشان می‌دهد که خاتمی و روحانی و جناح اصلاح طلب در اصل و اساس هیچ فرقی و اختلافی با اصول گرا و طیف های رنگارنگ حکومتی مانند حجتیه و موتلفه و غیره ندارند. در این جا هم سر خاتمی به سنگ خورده است. خاتمی باید بداند که جناح حاکم نمی خواهد و نمی تواند کوچکترین اختلاف نظری را حتی از شریک و همکار سابق خود بپذیرد. پایه های حکومت لرزاتر از آن است که بتواند این خطر را قبول کند.

است «مردم ما با هم دعوایی ندارند و با هم قهر نیستند تا آشتی کنند. و اگر منظور از آشتی ملی این است که مردم با حکومت اسلامی آشتی کند، زهی خیال باطل.

این مردم با حکومت سرکوب و حکومت تحمیل کننده فقر و فلاکت و اعتیاد و تن فروشی و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و با حکومت سنگسار و اعدام و قتل علم معترضان و مخالفان و با حکومت اختلاسگران هیچ گونه آشتی ندارد. برخلاف آنچه که تاریخ نویسان و جامعه شناسان سرمایه داری می نویسند و سعی دارند به جامعه حقه کنند که «مردم حافظه ی تاریخی ضعیفی دارند!»، این مردم نه می بخشد و نه فراموش می کنند.

پس يك آشتی بیشتر باقی نمی ماند و آن همه آشتی اصلاحات چی های رانده شده از حکومت با جنایتکاران حاکم است. اما شرکای خاتمی آب پاکی را روی دست هایت

آرش دشتی

محمدخاتمی، سرکرده ی پروژه ی شکست خورده و مفتضح «اصلاحات حکومتی» که مدتی است بر اثر اختلافات و انتقام گیری درون نظام، از نظر بیان و تصویر و حضور در مجالس عروسی و عزا، پیشوند و صفت «ممنوع» را یدک می کشد، يك روز مانده به راهپیمایی حکومتی ۲۲ بهمن ۱۳۹۵ در پیامی ویسئویی، طرح «آشتی ملی» را اعلام کرد. چند ماه قبل همه مصطفی تاج زاده موضوع آشتی ملی را مطرح کرده بود که با تو دهنی جناح خامنه ای مواجه شد. و این بار خود سرکرده ی اصلاحات چپان با این شعار بی آبرو و با این شمشیر زنگ زده به میدان آمد.

تا جایی که به «ملت» او مردم مربوط است، باید به این فرمانده بی لشکر اصلاحات گفت که اگر منظور «آشتی مردم با مردم

پیامهایی به دهمین کنگره حزب

یاشار سهندی، ایران

با درودهای صمیمانه
زنده باد رفقا

غریب بیست و پنج سال پیش بورژوازی سرمست از اینکه شاید کمونیسم را شکست داده، فرو ریختن اردوگاه سرمایه داری دولتی را در پی بن بست آن "پایان تاریخ" اعلام کرد. همان زمان حزب ما از زبان منصور حکمت گفت دنیا بلون خطر کمونیسم به چه منجلابی تبدیل میشود و شد. پنج سال پیش که انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال افریقا در گرفت و دیکتاتور بعد از دیکتاتور طی چند ماه سرنگون شدند. میادین شهرهای بزرگ جهان به صحنه اعتراض ۹۹ درصیبهای جامعه تبدیل شد و این حاکی از امید تازه ای بود که در دل توده مردم دنیا شعله ور شد. و تا کیدی بود بر امتداد تاریخ، که تاریخ همانا تاریخ مبارزه طبقاتی است. آنها که پایان تاریخ را اعلام کرده بودند از همه سو کمک کردند که تبهکارترین جریانات معاصر به جان مردم منطقه و بعد دنیا بیفتند تا ثابت کرده باشند چه ظرفیت عظیمی دارند که دنیا را به

منجلاب بکشند. این ایام که در قطبی شدن جهان دیگر امری محرز است که نمی توانند پنهانش کنند، بورژوازی بحران زده در پشت شریترین نیروهای سنگر گرفته تا بحران را به سلامت بگذرانند و مانند همیشه دودش مستقیم به چشم مردم میرود. سر برآوردن فاشیستها در گوشه و کنار جهان نه نشانه تخفیف بحران بلکه نشانه تشدید سیه روزی مردم جهان است.

امید به تغییر که قاعده زندگی است را اما هیچگاه نمی توانند خاموش کنند. در یک گوشه از این دنیا جمعی پرشور گرد هم آمده اند که ثابت کنند میشود کاری کرد و این نه از سر عصیان زدگی بلکه کاملاً هدفمند و آگاهانه است چون باور دارند بحث بر سر تغییر جهان است و به پیشروان جنبش طبقه کارگر که جنبشی علیه ستم و استثمار و سیه روزی است، این شدنی است. کنگره حزب کمونیست کارگری نیرویش را از این جنبش می گیرد، که این حزب نماینده سیاسی طبقه کارگر است، که کمونیسم جنبش طبقه کارگر است. راه حل انسانی بحرانی که

سرمایه داری برای بشریت آفریده است کمونیسم است و خوشبختانه در ایران کمونیسم تحزب یافته است و صدایش رسا است. خیلی سعی میشود که کوچکش بشمرند و به روزمره گی متهمش کنند اما همین که صدای انسانیت در ایران هنوز طنین انداز است و همین که هنوز مردم منتظر یک انقلاب دیگر هستند و تحول اساسی را جز در انقلاب نمی یابند یک نتیجه مهم وجود این حزب و تلاشهای این حزب است.

انتظاری که همیشه از این حزب داشته ام این بوده که به عنوان حزب جریان رادیکال طبقه کارگر هدفش را گم نکند، همانگونه که در طی تمام فراز و نشیبهای گذشته هدفش که سوسیالیسم است چراغ راهش بوده است. و سوسیالیسم محقق نمی شود مگر اینکه توده مردم در امر خودشان مستقیم دخالت داشته باشند. کنگره دهم حزب باید انعکاس صدای پر شور کارگران باشد که میخواهند سرنوشت زندگی شان به دست خودشان باشد نه سرمایه و بدین خاطر روز بروز بیشتر در کارخانه و خیابان صدایشان بلند است. موفق باشید.

پرویز پوینده و حامد رضائی، ایران

پیام به کنگره دهم حزب
کمونیست کارگری ایران

با سلام های گرم به همه رفقا کنگره دهم حزب ما در شرایط ملتهبی تشکیل میشود. بحران های متعددی گریبان رژیم اسلامی را گرفته است. جامعه هم دستخوش شدیدترین تبعیضات و نابرابری هاست و البته از همه مهمتر کشور صحنه مبارزات کارگران و مردم معترض است. حزب ما طی این چند سال مباحث و موضعگیری های عمیقاً درستی ارائه کرده و بدون ابهام و مصمم به پیش رفته است. اما اگر معتقد باشیم که دوره ای از تحولات انقلابی آغاز شده باید به سرعت آماده شویم. مهمترین کار حزب ما تعریف و شناساندن حزب به مثابه آلترناتیو وضع موجود است و در مرتبه دوم ایجاد یک ستون فقرات کمونیستی - کارگری در راس جنبش های

اجتماعی موجود و کسب هژمونی سیاسی در این جنبش ها است. بحث تلاش عظیم و پرشوری است که بتوانیم جامعه را رهبری کنیم. اگر چه ما شاهد چنین روندی در فعالیت های حزب هستیم و گفتمان های چپ و حزبمان را در جنبش های اجتماعی به روشنی میشود دید، ولی حرف ما تعمیق و سرعت دادن به این روند و به این فعالیت است.

با تحرکی که در جنبش کارگری و در عرصه های مختلف مبارزه هست، کار ما سازمان دادن، نیرو جمع کردن، و بردن گفتمانهایمان در تمام جنبش هاست. کار ما حضور فعال در ملیای اجتماعی که بستر تحرك جنبش های اجتماعی است و امروز کاملاً به اعتراضات خیابانی وصل است، می باشد. تا در سطحی گسترده در گروههای چند هزار نفره ای که در این ملیا شکل میگیرد تاثیرگذار باشیم. نمونه اش گروههای مبارزاتی معلمان است که بستری برای ارتباط وسیع بین آنان است و

ریحانه رجائی از تهران

قرار است کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ماه آینده برگزار شود کادرهای رهبری و کمیته مرکزی این حزب دارند مرتب انتظارات خود را از این کنگره بیان میکنند، چه شور و شوقی، من از وقتی که با این حزب آشنا شده ام اولین بار است که به کنگره هاش بر خورد میکنم. چقدر دوست داشتم من هم در چنین مجمعی با چنین انسانهای بشیمن و انتظارات خودم را بیان کنم. چقدر دوست دارم با این انسانها، با این شخصیت های بر جسته، در کنارشان باشم و از آنها یاد بگیرم. از همین حالا که هنوز مدتی برای این کنگره باقی است این آدمها با چه شور و شوقی به پیشواز این اصلی ترین مجمع خودشان میروند.

من هم باشور و شوق دارم به آنها گوش میدهم، چه انتظاراتی، فکر میکنم هر انسان منصفی را اگر به شور و شوق و انداز حد اقل باید اینرا قبول کند که این حزب با این کادرها یک حزب جدی سیاسی است، حتی اگر قبول نکند حزب ما کارگران است ولی باید قبول کند مشغله اصلیش ما کارگران و موفقیت ما در

سیمین صبری از ایران

پرتوان باد دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری رفقا دستتان را به گرمی میفشارم در شرایطی دهمین کنگره حزبمان را برگزار میکنیم که جامعه ایران در تب و تاب مبارزه میسوزد و این کنگره انعکاس فریاد کارگران و هیکو است که شعار روزهای انقلاب را در خیابانها زنده کردند و فریاد زدن زبر بار ستم نمیکنیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی! و هر روز شاهد بالاگرفتن مبارزات مردم با حکومتی هستیم که نزدیک به ۴۰ سال سایه منحوس خود را بر سر زندگی میلیونها نفر انداخته است و همچون زالواز ثروت

اتحادمان و پیرویمان است. قبل از هر چیز فراخوان من به همه دوستانم این است که بدون هیچ پیشداوری بروید به این ویدیوها گوش فرا دهید.

انتظار خودم از این عزیزان و این انسانهای کمونیست و مبارز این است که باید این کنگره جایی باشد که با نقشه ها و پلاتفرمها و قطعنامه و هر چیز دیگر که من نمیدانم چه هستند برای متحد کردن ما و دست در دست همه ما فعالین کارگری و جنبشهای اجتماعی دیگر از جنبش معلمان گرفته تا پرستاران، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان تا فعالین اعتراضات دانشجویی از شخصیت های مدافع حیوانات گرفته تا هر انسان شریف و آزاده ای که به این وضع معترض است تا همه انسانهای خوشنام و عزیز در این جامعه زیر یک چتر با زبان ساده و بدون المثنگه بپردازد. چقدر خوشحال خواهم شد که بدانم بعد از این کنگره نقشه های جدی و روشن برای متحد کردن ما و رادیکالیسم این جنبشها، نقشه های در دست دارد که جامعه ما و این پراکندگی را به اتحاد و همستگی بیشتر تبدیل کند.

و دسترنج مردم ارتزاق میکند. حکومتی که هرچند از هیچ سببیتی در سرکوب خواسته های مردم فروگذار نکرده است اما در ۳۸ گذشته نتوانسته لحظه ای آب خوش از گلو خود فرو برد و همواره با جنبش های اجتماعی عظیمی چون کارگران و زنان و جوانان درگیر بوده است و امروز شاهد اوج گیری هرچه وسیع تر مبارزات مردمی در اشکال جنبش های اجتماعی مطالباتی هستیم و این مبارزات وقتی سهمگین تر خواهد شد که به شکل متحزب پا به میدان گذارد. حزبی که در برابر دنیای بربریت موجود سوسیالیسم را نوید میدهد.

رفقا! جامعه ایران بیش از

پیامهایی به دهمین کنگره حزب

از صفحه ۸

برای همیشه به زیاله دان تاریخ بیندازیم.

رفقا آرزو داشتیم در جمع شما بودم اما قلبم با شما می تپید و از هیچ تلاشی برای ساختن برگی دیگر از تاریخ پر افتخار حزبمان فروگذار نخواهم کرد و فرصت را غنیمت شمرده و از تمام کمونیستها و آزادیخواهانی که برای رسیدن به برابری انسانها و نابودی بساط سرمایه مبارزه میکنند میخوانم که با حزب کمونیست کارگری پیوندی که تنها رمز پیروزی ما وجود قدرتمند حزبی است که سوسیالیسم آن انسانی است.

همیشه تشنه دنیای بهتری است که حزبمان پرچم آن را بلند کرده است و ما اکنون در گلوگاههای مبارزه ایستاده ایم تا درگاههای آن جاری شویم و هر کدام از ما پرچمدار کمونیسمی باشیم که راه رهایی انسان مدرن است و آن کمونیسم کارگری است.

امیدوارم کنگره بتواند پاسخ حزب و جامعه امروز باشد تا بتوانیم مبارزات همه بخشهای جامعه را یک کاسه کرده و موجی ویرانگر برای بساط سرمایه براه اندازیم و دور نخواهد بود که جانوران اسلامی را

رها شادمان از ایران

پیام به کنگره دهم حزب و سلام به همه شما.

دهمین کنگره حزب زمانی برگزار می شود که جای من و رفیقانم در کنار هم بودن خالیست. عزیزان امروز جامعه فرزندش را در حال به زمین گذاشتن است. یک زایش از انقلاب ایران. امروز جامعه ما دیگر حتی مثل چند ماه قبل به معضلات نمی اندیشد بلکه شرایط عینی بهترین آموزشها را به نیروی کار می دهد، وقتی مشکلی بهانه می شود تا مردم ستم کشیده به خیابان بیایند و اعتراض کنند. مثل آن مردی که به حمایت از کولبران جانباخته به عنوان نمادین کوله ای را به پشتش بسته بود و در راهپیمایی ۲۲ بهمن در خیابان ساعتها خود را به نمایش گذاشته بود. امروز من و

شما هر کدام بنا بر توانمان وظیفه ای در قبال نسل آینده کارگران و این جامعه داریم. عزیزان ما در اینجا چون شما آزاد نیستیم ولی در همین فضا حرکت می کنیم و هر کجا و همه جا بلندگوی خواست هائیم و راهکار ارائه میدهم. عزیزان تجربه شخصی من نشان داده است که وقتی در خیابان یا محلهای عمومی از دل مردم میگویم، از یک دنیای بهتر میگویم به دلشان مینشینیم و استقبال میشوند و برایمان آرزوهای خوب میشود. پای صحبت مردمی که آنها را نمیشناسیم نشسته ایم، از دردهایشان گفته ایم، از نحوه به دست آوردن حقشان گفته ایم و راه پیروزی و موفقیت را نوید داده ایم. عزیزان جای من بین شما خالی است دوستان دارم و دست همه شما را به گرمی می فشارم.

کارفرمای سیمان مسجد سلیمان کارخانه را تعطیل کرد

کارگران همکاران بازداشتی را آزاد کردند خانواده های کارگران باید به میدان بیایند!

خانواده کارگری دیگر که در موقعیت مشابهی هستند را جلب کنند.

حزب کمونیست کارگری کارگران سیمان مسجد سلیمان و خانواده های آنها را به یک مبارزه متحد و مستمر برای تحقق خواست هایشان فرامیخواند. حزب کارگران را به برپایی مجمع عمومی برای تصمیم گیری متحد و یکپارچه و اطلاع رسانی هرروزه به مردم فرامیخواند و از مردم شهر میخواند به هر شکل که میتوانند از خواست های بحق کارگران در مقابل کارفرمای مفتخور و ارگانهای حکومتی همداست او حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ بهمن ۱۳۹۵، ۱۳ فوریه ۲۰۱۷

با اعتراض کارگران پس از چند ساعت آزاد شدند. بازداشت کارگران به قصد مرعوب کردن و ممانعت از ادامه اعتراضات آنها است. لازم به توضیح است که هفته قبل نیز کارفرما سعی کرد با تهدید کارگران به اخراج، آنها را وادار به کار کند اما کارگران مرعوب تهدید او نشدند.

کارگران قادرند جلو تعطیلی کارخانه را بگیرند. ۳۸ روز اعتراض نشان داد که کارگران از اتحاد و اراده محکمی برای مبارزه برخوردارند. ضعف آنها این است که نیروی خود را به میدان نیاورده اند. تجربه کارگران هیکو در هفته گذشته نیز نشان داد که همراه کردن خانواده های کارگری و مردم شهر عامل موثری در موفقیت کارگران است. باید خانواده ها به میدان بیایند و همبستگی مردم شهر و هزاران

کارفرمای کارخانه سیمان مسجد سلیمان پس از اینکه متوجه شد ۴۸۰ کارگر کارخانه مصممند به اعتراض خود ادامه بدهند که ۵ تا ۱۶ ماه حقوق معوقه خود را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند، در هماهنگی با ارگانهای حکومت تصمیم گرفت کارخانه را تعطیل کند. کارخانه روز ۲۴ بهمن یعنی در ۳۸ مین روز اعتراض کارگران تعطیل شد. همزمان با تعطیل کارخانه کارفرما مسئولان فرمانداری مسجد سلیمان به کارگران قول دادند که مطالبات آنها را روز ۲۶ بهمن پرداخت کنند و کارگران تصمیم گرفتند موقتا به تجمع اعتراضی خاتمه دهند. اما همزمان صبح امروز ۲۵ بهمن سه نفر از کارگران توسط نیروهای سرکوب حکومت بازداشت شدند که

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون
کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

نه به تبعیض و نابرابری

نه به آپارتاید جنسی
و حجاب اسلامی

www.wpiran.org

سایت حزب:

صفحه فیس بوکی حزب

<https://www.facebook.com/wpiran/>

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

کردن حمایت و همبستگی از این کارزار در مدارس تمام شهرها بصورت حضوری جریان دارد. معلمان آترا کمپین ۵۰ هزار نفری اعلام کرده اند. این کمپین گامی مهم در جلو بردن اعتراض علیه خط فقر در سطح جامعه و مبارزه برای خواست افزایش دستمزدهاست.

آخرین مباحث بر سر میزان حداقل دستمزدها

بنا بر خبرهای دولتی نشست کمیته مزد جمهوری اسلامی بدنبال يك ماه وقفه در ۱۸ ماه برگزار شد و آخرین نشست آن در ۲ اسفند خواهد بود. بدین ترتیب بدنبال يك سکوت برنامه ریزی شده، هفته گذشته بحث بر سر میزان حداقل دستمزدها، داغ بود. دارو دسته های شورای اسلامی چی ها به حرف در آمده اند و مقامات دست اندر کار حکومتی نیز اظهاراتی کرده اند. در میان کارگران هم بحث بر سر این موضوع جریان دارد. مباحث چیست؟

بجهای حکومتيان چیست؟

بحث های دولتی بر سر اینست که بنا بر ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم و در نظر گرفتن سبب معیشت خانوار تعیین می شود. و این درحالیست که کارگران در تعیین نرخ تورم و میزان هزینه سبب معیشت خانوار دخالتی ندارند و تعیین این نرخها اساسا بنا بر مصالح سرمایه داران و همانند هر سال رقمی دستکاری شده و مهندسی شده است. از جمله بنا بر خبرهای دولتی آخرین نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی در آذر ماه سال جاری به میزان ۶.۸ درصد است و خنده دار اینکه حتی ادعا کرده اند که این رقم تا پایان سال کاهش خواهد یافت. معنای عملی اعلام این نرخ تورم به گفته خودشان اینست که به میزان حداقل دستمزدها حتی ده درصد هم اضافه نخواهد شد و میزان آن نهایتا از ۸۱۲ هزار تومان، به ۸۸۲ هزار تومان و یا فرضا ۸۹۳ هزار تومان خواهد بود.

در چهارچوب همین گمانه زنی ها حمید حاج اسماعیلی از "کارشناسان حوزه کار" جمهوری اسلامی با اعلام اینکه حداقل دستمزد کارگران برای

سال آتی بین ۱۳ تا ۱۵ درصد افزایش خواهد داشت، میگوید: "حداقل دستمزد کارگران که هر ساله از سوی شورای عالی کار تعیین می شود باید با اتکا به شاخص های کلان اقتصادی مانند خط فقر محاسبه شود. وی با بیان اینکه شاخص خط فقر می تواند در چانه زنی برای ارتقای حداقل دستمزد کارگران موثر باشد، تاکید کرد: تردیدی نیست نمی توانیم خط فقر را ملاک قرار دهیم اما نمایندگان کارگری می توانند تلاش کنند فاصله حداقل دستمزد را با این شاخص کمتر کنند."

احسان سهرابی عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نیز با اعلام اینکه با محاسبه ۱۰ درصد افزایش هزینه امور مربوط به تغذیه، حقوق مورد نیاز برای گذران يك زندگی برای کارگر، حدود ۲ میلیون و ۴۶۶ هزار تومان است که باید لحاظ شود. احسان سهرابی نیز همانند حمید حاج اسماعیلی "لحاظ شدن" سبب هزینه دو میلیون و ۴۶۶ هزار تومان در تعیین میزان حداقل دستمزدها صحبت میکند.

از همین دست اظهارات، عکس العمل قابل توجه غلامرضا کاتب عضو کمیسیون تلفیق در مجلس اسلامی در گفتوگویی با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، در رابطه با اظهار نظر يك نماینده مجلس است، که گفته بود، حداقل حقوق سال آینده در تلفیق يك میلیون و دویست هزار تومان تعیین شده است. به محض انتشار این خبر او سراسیمه و نگران از اینکه شبهه ای بر سر افزایش دستمزدها ایجاد شود، توضیح داد که این مبلغ ربطی به میزان حداقل دستمزد ندارد، بلکه مربوط به بحث در مورد سقف معافیت مالیاتی در بودجه سال ۹۶ بوده است که گویا سقف این مبلغ در نهایت دو میلیون تومان تعیین شده است. چون خوب میدانند که در راستای سیاست ارزان سازی نیروی کار، حداقل دستمزدها حتی به ۹۰۰ هزار تومان هم نخواهد رسید و حتی پخش خبری چون حداقل دستمزد يك میلیون و دویست هم برایشان هزینه

دارد.

به عبارت روشنتر اینها هر سال که موعد تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی است، بنا بر مصالح سرمایه داران و دولت حامی اش، نرخ تورم، نرخ سبب هزینه و غیره پایین می آید تا مبنایی برای بریدن دستمزد چند بار زیر خط فقر برای کارگران باشد. و در این بازی مسخره دولت، بانک مرکزی، شورای عالی کار و تشکلهای دست ساز حکومتی، همانند يك ارکستر واحد کار میکنند. از جمله درحالیکه تورم بیداد میکنند. افزایش قیمت ها سرسام آور است، این بیشرمان ابلهانه دروغ میگویند و از نرخ تورم هشت درصد و ده درصد سخن میگویند. و یا چند ماه پیش آمارهای دولتی نرخ هزینه خانوار را چهار میلیون و نیم اعلام داشت، حالا که موعد تعیین حداقل دستمزدها بر اساس نرخ سبب هزینه هاست، مبلغ سبب هزینه خانوار دو میلیون و ۴۶۶ هزار تومان اعلام میشود. و تازه همین مبلغ نیز قرار نیست مبنایی برای محاسباتشان باشد، بلکه با گستاخی تمام اعلام میکنند که انجام آن غیر ممکن است و این مبلغ تنها قرار است مبنایی برای "چانه زنی" باشد و در محاسباتشان "لحاظ" شود.

این چنین است که هر ساله مشتی سرمایه دار دزد و مفتخور تحت عنوان سه جانبه گری دولت، کارفرما و "جامعه کارگری" در شورای عالی کارشان می نشینند و از بالای سر کارگر بر روی قیمت نیروی کار ۱۳ میلیون کارگر که با خانواده هایشان جمعیتی ۵۰ میلیون نفره را در بر میگیرد، تصمیم میگیرند و بر بهای آن چوب حراج میزنند. و این تصمیم گیری در واقع سطح معیشت بازنشستگان، کارگران بیکار و استاندارد کل جامعه را رقم میزنند. کارگران به کل این بساط استثمار و چپاول اعتراض دارند، به اینهمه تبعیض و نابرابری اعتراض دارند و این را در اعتراضاتشان با شعارهایی علیه حقوقهای نجومی مقامات عالیترتبه و دزدی های حکومتیان و مقایسه آن با دستمزدهای زیر خط فقرشان اعلام کرده اند. این را کارگران همپکو با سر دادن با سر دادن سرود همبستگی "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی"، در اعتراضات پر

شکوه خود در اراک اعلام داشتند.

کارگران چه میگویند

جنبش برای خواست افزایش دستمزدها اکنون جنبشی است اجتماعی که کارگران و معلمان دو ستون اصلی آن هستند. کارگران با اعلام رقم و با اعتراضاتشان به روشنی اعلام کرده اند که شورای عالی کار را قبول ندارند و میزان حداقل دستمزدها باید با شرکت نمایندگان منتخب مجامع عمومی خود آنها تعیین شود. سال گذشته در حرکتی هماهنگ سیزده تشکیل کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد، کارگران پروژه های پارس جنوبی، جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندرامام، فعالان کارگری جنوب، جمعی از کارگران محور تهران- کرج، فعالان کارگری شوش و اندیشمک با پرچم خواست افزایش دستمزدها به رقمی بالای خط فقر و در قدم اول سه میلیون و پانصد هزار جلو آمدند و حول این خواست جنبشی شکل

گرفت. بعلاوه اینکه يك بند مهم آخرین بیانیه معلمان در ۲۳ اسفند ۹۴ تاکید بر همین خواست بود. امسال کارگران، بازنشستگان، معلمان با شعار خط فقر چهار میلیون، حقوق ما يك میلیون قدم به جلو گذاشتند و در واقع پلاتفرم مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها را با شعارهای اعتراضی شان در خیابان دادند. امسال گفتمان ها اینست که اگر خط فقر چهارمیلیون و نیم است، حقوق ما باید به عنوان اولین قدم بالای این رقم باشد. بعلاوه اینکه دستمزد باید با بیمه های پایه ای اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه تکمیل شود.

معلمان نیز با کمپین قدرتمند هزاران نفره خود خواستار افزایش حقوقها بالای سه میلیون تومان هستند. این گفتمانها جواب قاطع کارگران، معلمان و مردم جامعه علیه فقر و فلاکت است. وظیفه ماست که این گفتمان ها را سراسری کنیم. اخبار این اعتراضات را خصوصا در گروههای پیگیری مطالباتمان در مدیای اجتماعی، انعکاس دهیم. و به این شکل صف اعتراض سراسری خود را علیه دستمزدهای زیر خط فقر و برای داشتن يك زندگی انسانی متحد کنیم.

موقیبت کارگران همپکو به موقیبتی برای

از صفحه ۵

کارگران آونگان و صنایع آب و سایر مراکزی که با مشکلات مشابه دست و پنجه نرم میکنند، تصمیم گیری در مجمع عمومی و دست زدن به مبارزات مشترک و جلب حمایت توده های مردم معترض کلید موقیبت های بیشتر کارگران برای گرفتن حقوق معوقه، امنیت شغلی و نیز افزایش دستمزد است. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۶ بهمن ۱۳۹۵، ۱۴ فوریه ۲۰۱۷

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود